

معرفی نسخه خطی غزلیات «ملاحسین خوبی» متخلص به «سالک» و بررسی سبکی آن

مریم غرائمی، مجتبی صفرعلیزاده*، شهریار حسنزاده

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.

سال هفدهم، شماره یکم، فروردین ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۹۵، صص ۲۴۴-۲۲۵

DOI: 10.22034/bahareadab.2024.17.7187

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: یکی از شیوه‌های قابل اطمینان جهت بازشناسی عقاید، آراء، اندیشه و اوضاع و احوال و شرایط اجتماعی و سیاسی، شناخت آثار مکتوب گذشتگان است. بازبینی و توجه دوباره به نسخ قدیمی و پرده برداشتن از رخسار این متون ارزشمند می‌تواند تا حدود بسیار زیادی ما را با جنبه‌های گوناگون اندیشه نویسندگان و پدیدآورندگان آنها و اوضاع و احوالی که این هنرمندان در آن میزیسته‌اند، آشنا نماید. از دیگر سو بازشناسی نسخ خطی و تصحیح و معرفی یک اثر تا حدود بسیار زیادی می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را پیرامون پیشینه فکری و فرهنگی یک ملت در سنجش اصالت آن در اختیار خوانندگان و اهل علم قرار دهد. یکی از نسخ بجامانده در تاریخ ادبیات ایران، مجموعه غزلیات ملاحسین خوبی متخلص به سالک است. هدف اصلی این پژوهش بررسی ویژگی‌های سبکی غزلیات ملاحسین خوبی و تعیین شاخصه‌های سبکی اشعار وی در سه سطح زبانی، فکری و ادبی می‌باشد.

روش مطالعه: در نگارش این مقاله از روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. نسخه مورد استفاده در این پژوهش به شیوه قیاسی براساس تک نسخه موجود در کتابخانه مرکزی تبریز مورد تصحیح قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق: با بررسی غزلیات ملاحسین خوبی می‌توان به این مؤلفه‌ها و شاخصه‌های شعری در سبک او اشاره نمود که سبک شاعر نشان‌دهنده ویژگی‌های اشعار دوره بازگشت، سادگی، روانی، پرهیز از تعقید و پیچیدگی و گاه تقلیدی از شاعران برجسته سبکهای گذشته مانند حافظ، صائب، سعدی و... است.

نتیجه پژوهش: ویژگی سبکی سالک در سطح آوایی استفاده از اکثر اوزان بحر پرکاربرد عروضی، اعمال نوعی از اختیارات شاعرانه بصورت سلیقه‌ای و ذوقی، واژگان و ترکیبات بر ساخته، استفاده از ردیفهای فعلی بصورت چشمگیر، در سطح ادبی کاربرد آرایه‌های استعاره، تشبیه، کنایه بصورت روان، ساده و زودفهم در کنار سایر صنایع بدیع لفظی و معنوی و در سطح فکری پرهیز، زهد، تقوا و نفی مدارای می‌باشد.

تاریخ دریافت: ۱۷ اسفند ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۶ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۰ خرداد ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

ملاحسین خوبی، غزلیات، تحلیل سبکی و محتوایی، سبک‌شناسی، سبک دوره بازگشت.

* نویسنده مسئول:

mojtaba.safaralizadeh@iaukhoy.ac.ir

۳۶۴۳۰۰۱ (۴۴) ۹۸+



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Introducing the manuscript of the sonnets of "Mollah Hossein Khoei" devoted to "Salk" and examining its style

M. Gharaemi, M. Safar Alizadeh*, Sh. Hassanzadeh

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Khoi Branch, Islamic Azad University, Khoi, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 07 March 2023

Reviewed: 17 May 2023

Revised: 27 May 2023

Accepted: 10 June 2023

KEYWORDS

Molla Hossein Khoei, poems, Stylistic and content analysis, Stylistics, Return period style

*Corresponding Author

✉ majtaba.safaralizadeh@iaukhoy.ac.ir

☎ (+98 44) 36430001

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: One of the reliable ways to recognize the opinions, opinions, thoughts and social and political conditions is to know the written works of the past. Revisiting and paying attention to the old version and uncovering the face of these valuable texts can introduce us to a great extent with the various aspects of the thoughts of the authors and their creators and the conditions in which these artists lived. On the other hand, identifying manuscripts and correcting and introducing a work can provide readers and scholars with valuable information about the intellectual and cultural background of a nation in measuring its authenticity. One of the valuable and neglected manuscripts in the history of Iranian literature is the collection of ghazals by Molhasin Khoi, who is devoted to the seeker. The main purpose of this research is to investigate the stylistic features of Mulla Hossein Khoei's lyrical poetry and to determine the stylistic features of his poems in three linguistic, intellectual and literary levels

METHODOLOGY: In writing this article, the library method and the descriptive-analytical method were used. The version used in Maryam Ghraimi's doctoral dissertation has been corrected in a comparative manner based on the single version available in the central library of Tabriz

FINDINGS: By examining the lyrical works of Mollah Hossein Khoei, it can be pointed out these poetic components and characteristics in his style, that the poet's style shows the characteristics of the poems of the return period, simplicity, fluency, avoiding obscenity and complexity and sometimes imitating the prominent poets of the past styles such as Hafez, Saeb, Saadi and Is

CONCLUSION: Salik's stylistic feature at the phonetic level is the use of most of the widely used prosodic idioms, applying some kind of poetic authority in a tasteful and tasteful way, words and combinations, the use of current lines in an impressive way, at the literary level, the use of arrays of metaphors, similes, irony as Fluent, simple, and quick to understand, along with other creative verbal and spiritual industries, and on the intellectual level, it is abstinence, asceticism, piety, and negation of tolerance

DOI: [10.22034/bahareadab.2024.17.7187](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.17.7187)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 9	 0	 0

مقدمه

بخش قابل توجهی از میراث گرانبهای مکتوب و آثار ارزنده دانشمندان، ادیبان، شاعران و نویسندگان ایرانی در اثر حوادث روزگار از میان رفته است. با وجود این بسیاری نسخه‌های خطی و دستنویس گرانبهای نیز از دستبرد ایام مصون مانده و با این اقبال مواجه بوده‌ایم که به دست ما برسند. نسخ خطی میراثی ارزشمند از نیاکان و پیشینیان است که بمانند گنجی در اختیار آیندگان قرار میگیرد و آنان را با فرهنگ، علوم مختلف، اعتقادات و اندیشه گذشتگان آشنا میسازد. تصحیح نسخ خطی را در مقام تمثیل میتوان به احیا و بازسازی یک اثر ارزشمند تاریخی تشبیه نمود. از این رو «احیا و نشر کتابها و رساله‌های خطی وظیفه‌ای بر دوش محققان و کارشناسان این حوزه است» (جهانبخش، ۱۳۸۹: ص ۷؛ ر.ک. دهقان شیری و دیگران، ۱۴۰۲: ص ۱۲۱).

در جغرافیای فرهنگ و زبان و ادبیات فارسی، شاعران و سخنورانی هستند که هنوز آثارشان مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است و به جامعه ادبی معرفی نشده‌اند. معرفی این آثار ارزشمند به جامعه ادبی از طریق تصحیح نسخه، گامی ارزشمند در جهت غنای بیشتر ادبیات فارسی میباشد. این مقاله به بررسی نسخه خطی موجود از غزلیات ملاحسین خوبی، متخلص به «سالک خوبی» که دیوان غزلیات وی تاکنون مورد بررسی واکاوی قرار نگرفته است، میپردازد. نگارندگان این سطور بعنوان نخستین پژوهشگران به بررسی و تحلیل سبکی این شاعر خوش‌ذوق قرن سیزدهم پرداخته‌اند. سالک خوبی یکی از شاعران گمنام نیمه دوم سده سیزدهم قمری است. تاریخ ولادت و درگذشت وی نامشخص است. به استناد دیوانش اهل آذربایجان و گویشور زبان آذری است که تخلص خود را «سالک» انتخاب کرده است. خاستگاه و درونمایه بیشتر غزلیات او زهد، پرهیز، تقوا و دینمداری با توسل و تمسک به بنمایه‌های قوی از اندیشه تشیع است. رگه‌های اندیشه‌های عرفان عابدانه در اشعار وی یافت میشود، اما وجه غالب درونمایه اندرز، زهد و پرهیز در کلام او را بیشتر به سبک فکری سنایی و ناصر خسرو متمایل ساخته است. در این جستار کوشش شده است که به این سؤال پاسخ داده شود که خصوصیات بارز در سبک شعری ملاحسین خوبی کدام است؟

هدف پژوهش

سالک خوبی از جمله شاعران سده سیزدهم هجری قمری میباشد که در غزلیات وی جنبه‌های گوناگونی از نگرشها و دیدگاه‌های مذهبی، فرهنگی، آداب و رسوم اجتماعی زمان شاعر مطرح شده است. تأسی سالک از سرایندگان طراز اول زبان و ادبیات فارسی چون حافظ و سعدی، سبب توجه وی به مضامینی چون فناعت، زهد، پرهیز از دنیاطلبی و... گردیده است. با وجود مطالعات بسیار زیادی که در خصوص نسخ خطی و احیای این متون و زدودن غبار از چهره این شاهدان خاموش صورت گرفته است، هنوز تنها نسخه خطی موجود از غزلیات و اشعار سالک خوبی بعنوان یکی از آثار ارزشمند نسخه خطی در قرن سیزدهم مورد مطالعه و بازیابی قرار نگرفته و با توجه به آنکه اشعار سالک خوبی یکی از میراث کهن و گرانبهای گذشته بعنوان آینه‌ای از زیست ادبی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی زمان خود است، اهمیت تصحیح و معرفی تنها نسخه خطی موجود از این شاعر، نویسندگان را بر آن داشت تا به بررسی ویژگیهای سبکی و محتوایی این اشعار که هنوز به زیور طبع آراسته نشده است بپردازند، چراکه بسیاری از متون ارزشمند کهن در طول زمان به دلیل حوادث بسیار، نبود آگاهی و عدم توجه یا از بین رفته‌اند و یا بصورت کامل در اختیار آیندگان قرار نگرفته‌اند؛ در این راستا یکی از وظایف اصلی اهل علم و دانشگاهیان توجه به این نسخ، جمع‌آوری و تصحیح و معرفی آنهاست.

پیشینه پژوهش

غزلیات سالک خویی را تاکنون کسی تصحیح و چاپ نکرده است و تنها یک نسخه از آن در کتابخانه مرکزی تبریز به شماره ۱۵۴ک موجود میباشد. در نتیجه پژوهش حاضر دارای پیشینه نیست و برای نخستین بار صورت میگیرد. در کتابهای «دانشمندان آذربایجان»، «سخنوران آذربایجان»، «بزرگان و سخنسرایان آذربایجان غربی»، «تذکره شعرای آذربایجان: تاریخ، زندگی و آثار» مطالبی بسیار محدود و مختصر که تنها به معرفی چند سطر از زندگی شاعر پرداخته‌اند، اشاراتی شده است. در این آثار نیز تاریخ ولادت، زندگی شخصی، سبک شاعری و مطالبی پیرامون ذهن و زبان سالک خویی مورد توجه قرار نگرفته است.

لازم به ذکر است که در کتاب «تاریخ خوی: سیر تحولات اجتماعی و فرهنگی شهرهای ایران در طی قرون» از محمد امین ریاحی (چاپ اول ۱۳۷۹) ذیل مدخل «سالک خویی» مطالبی نقل شده است که با توجه به حیطه زمانی و قرن زندگی شاعر، با شاعر مورد بررسی در این جستار متفاوت است و صرفاً تشابه اسمی میباشد؛ از این رو جستار حاضر تنها منبع مرتبط و علمی در خصوص معرفی نسخه غزلیات و سبک شاعر ملاحظه‌سبک خویی متخلص به «سالک خویی» تا زمان انتشار این مقاله میباشد.

شیوه پژوهش

روش پژوهش در این مقاله به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و براساس نسخه اصلی (اساس) و استخراج شواهد از آن میباشد. تصحیح قیاسی نسخه غزلیات مورد نظر در رساله دکتری مریم غرائمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی در حال تدوین است.

معرفی نسخه

از غزلیات ملاحظه‌سبک خویی تنها یک نسخه به کتابت «محمد بن حاجی علی» به تاریخ «احد عشرین ربيع الآخر» موجود در کتابخانه مرکزی تبریز، تک نسخه شماره فنخا (۱۵۴ ک) باقی مانده است که به شماره ۲۶۷۴ در کتابخانه ملی تبریز اهدایی مرحوم نخجوانی موجود است و در فهرست آن معرفی شده است. طبق جستجوهای نگارندگان در ایران تنها یک نسخه خطی از دیوان غزلیات سالک خویی وجود دارد که همین نسخه مورد بررسی در جستار پیش‌رو میباشد.

نسخه خطی دیوان سالک در حدود دو هزار بیت دارد، نسخه موجود به خط نستعلیق در صفحه و در هر صفحه بصورت تقریبی شامل دو غزل میباشد که با بیت «الف حمد و الف شکر و الف تسبیح و ثنا / باد بر خلاق بدر / و نیر و ارض و سماء» آغاز و با مقطع «نشد آخر ظهور صاحب الامر / چرا عالم حسبی درکش و فش بود» به پایان میرسد. نسخه به خط نستعلیق (و گاه نستعلیق شکسته) و نیز در برخی قسمتها به رسم الخط امروزی نگاشته شده است. به نظر میرسد کتابت نسخه توسط کاتب از روی نسخه دستنویس شاعر طی سی سال اخیر انجام شده است، یعنی بین سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰ هـ.ش. تعداد برگهای نسخه صد برگ بدون شماره‌گذاری. تعداد سطور در هر صفحه تقریباً پانزده سطر است که مصرعها به شیوه نسخه گذشته، مقابل هم تحریر شده است. به لحاظ ظاهری نسخه فاقد جلد، فاقد رکابه‌نویسی و گاه دارای غلطهای املائی است. کاتب در تحریر مجدد نسخه به اصل آن تا حدودی پایبند نبوده است و از دو رسم الخط امروزی و قدیمی استفاده کرده است. بعنوان نمونه محل دقیق سرکشها گاه رعایت نشده است و بعضاً حرف «پ» و «ب» بجای هم به کار رفته است.

شیوه تصحیح نسخه

روش تصحیح نسخه در این پژوهش به شیوه تصحیح قیاسی میباشد به این معنا که مصحح متن موجود را با اصول زبانی، مقایسه نموده و در صورتی که ضبط واژه‌ای مناسبتر بوده است، جایگزین شده است. در خصوص کلمات ناخوانا یا محو شده در نسخه جهت حدس واژه صحیح به قیاس واژگانی معاصرین در حیطه سبکی مورد نظر متون مشابه مراجع شده است. خط خوردگی، جافتادگیها و اغلاط املائی با استناد به سبک زبانی نویسنده و معاصرین وی در دوره بازگشت تصحیح و تطبیق داده شده است در نهایت خوانش صحیح نسخه (فرانووسی) با دقت نظر بسیار زیاد انجام پذیرفته است تا هیچ حرف یا کلمه‌ای بصورت نادرست نوشته نشده باشد، در ضبط نهایی و تدوین اشعار، رسم الخط امروزی مورد استفاده قرار گرفته است.

معرفی ملاحسین خویی

نامش «ملاحسین» از شعرای قرن سیزدهم ه. ق خوی بود. از تاریخ تولد و وفات او خبری به دست ما نیامده است. ولی در سال ۱۲۴۶ ه. ق. ۱۲۰۹ ه. ش در حال حیات بود. او دیوانی دارد که نسخه آن در کتابخانه ملی تبریز جز کتابهای اهدایی شادروان حاجی محمد نخجوانی است» (ر.ک. فهرست کتابخانه ملی تبریز، ج ۲ / ص ۵۷۳؛ دانشمندان آذربایجان، ص ۱۷۲؛ سخنوران آذربایجان، ج ۹ / ص ۸۷۰؛ بزرگان و سخنسرایان آذربایجان غربی، ص ۱۲۷؛ دیهیم، ۱۳۷۱: ص ۹۵ - ۹۶).

از زندگی ملاحسین خویی مطلب قابل توجهی در تذکره‌ها و منابع معتبر در دسترس نیست و اندک اطلاعات موجود را میتوان با توجه به قرائن و شواهد موجود از میان اشعار وی به دست آورد. آنچه که مسلم است آنکه سالک خویی، اهل خوی از شهرهای آذربایجان غربی است و در دوران قاجار میزیسته است. با توجه به سبک و سیاق فکری و محتوایی اشعار وی میتوان گفت جنبه‌های وعظ و زهد در اشعار وی در کنار قدرت و قریحه شاعری از او شاعری آیینی و اعتقادی ساخته است:

مرو بسیار سوی کار دنیا خلد آخر به پایت خار دنیا
شود فردای اندر روز محشر چو آتش درهم و دینار دنیا
(دیوان: غ ۲)

ملاحسین خویی با تخلص «سالک» به فعالیت ادبی و شاعری میپرداخته است و به نظر میرسد با توجه به رواج و احیای اندیشه‌های صوفیانه در دوران قاجار، انتخاب این تخلص بی ارتباط با جهتگیریهای اعتقادی و منش صوفیانه شاعر نیست. گرچه بنمایه‌های زهد و پرهیز و تشریح گویا در اندیشه او قوت و شدت بیشتری دارد تا عرفان عاشقانه؛ تا جایی که از صوفی مذهب و گسترش بیش از تصوف در برابر اهل مسجد و دینداران، گلایه دارد:

شده از حد فراوان صوفی مذهب در این عصر اندک دیندار مانده است
(همان: غ ۴۰)

و از این رو است که ترجیح میدهد عارفان متشرع باشد:

عارفان جمله ره مسجد و منبر پویند ابلهان بادیه جرم و خطا میطلبند
(همان: غ ۸۵)

آنچه از اشعار سالک خویی هویدا است؛ ارادت او به حضرت علی (ع) و امام زمان (ع) است تا جایی که بنمایه‌های مذهب تشیع به نظر در کلام وی قوت و شدت خاصی دارد؛ در توصیف ارادت به حضرت علی (ع) میگوید:

آمده نوز، گل نشو و نما میکند
بجای امّی لقب نیر برج ادب
زآنکه علی را خدا سرور ما میکند
نشسته شاه عرب خدا ادا میکند
(همان: غ ۹۸)

و یا در مدح و بیان انتظار برای ظهور صاحب الامر (عج):

نشد سالک ظهور صاحب الامر
چرا عالم همه در دار مانده است
(همان: غ ۴۰)

و یا:

نشد سالک ظهور صاحب الامر
چرا عالم همه درکش و فش بود
(همان: غ ۷۶)

خدا صاحب زمان پس کی برآید
بماند در دلم حسرت بمیرم
ز یکدیگر بیابد حق و باطل
از این ترسم که عمرم بر سر آید
نبینم در زمان دیگر آید
تمیز آن دم که حیدر آید
(همان: غ ۷۹)

سالک در غزلیات خود را فردی خداترس معرفی میکند که همواره مرگ و قیامت را نصب‌العین خود قرار داده است و شعر خویش را «وعظ» و «پند» معرفی کرده است:

حقیقت شعر سالک وعظ و پند است
مکن از دل فراموش ای برادر
(دیوان: غ ۱۳)

کسی را مرگ در منظور باید
یقین داند عذاب دوزخش را
چگونه در جهان مسرور باشد
چرا خنده ز گریه دور باشد
(همان: غ ۹۱)

بررسی و تحلیل ویژگیهای سبکی

سطح زبانی

سطح زبانی مقوله‌ای وسیع و گسترده است که جهت بررسی بهتر و بیشتر آن را به سطح فرعی «آوایی»، «لغوی» و «نحوی» دسته‌بندی مینماییم:

ویژگیهای آوایی: سطح آوایی یا سبک‌شناسی در حیطة آوایی را میتوان سطح موسیقایی متن نیز گفت. سالک برای بیان افکار و اندیشه‌های خویش و نیز تأثیر کلام بر مخاطب، از عناصر ادبی نظیر نغمه حروف و هم‌آوایی، تکرار، هماهنگی واژه‌ها و نیز ترکیبات زیبا بهره برده است تا جهت القای مفاهیم و دینی و ایجاد التذاذ ادبی به هدف خویش دست یابد. در سطح زبانی، در سطح موسیقایی و نیز آوایی کلام، مجموعه مناسبتهای وزنی، قافیه، ردیف و نیز آرایه‌های لفظی در تقویت عاطفه شعری او نقش داشته است.

موسیقی بیرونی^۱: دیوان سالک خوبی مجموعه‌ای است از غزلیات که از بحرهای رمل، مجتث، مضارع هزج از محور پرکاربرد در این مجموعه میباشد. از میان این اوزان نیز «رمل»، «مجتث» و «مضارع» به ترتیب بیشترین فراوانی را به خود ارائه داده‌اند.

رمل مثنی محذوف

الف حمد و الف شکر و الف تسبیح و ثنا باد بر خلاق بدر و نیبر و ارض و سما
(دیوان: غ ۱)

بحر رمل مسدس مخبون محذوف:

شده پیوسته گلستان جهان خار مرا نخل عیشش ندهد جز به عینا بار مرا
(دیوان: غ ۸)

بحر مجتث مثنی مخبون محذوف

به گوش جان بشنو تا ببین چه خوش غزل است جهان عاریه بی حاصل است و بی محل است
(دیوان: غ ۵۰)

بحر مضارع مثنی اخر ب مکفوف محذوف

عیش و نشاط عالم غدار یک دم است ای بی خرد برای چه این شاد و خرم است
(دیوان: غ ۲۹)

در دیوان غزلیات سالک خوبی، اوزان کم کاربرد، شاد و نادر تقریباً وجود ندارد و تنوع وزنی بصورتی مطلوب مورد استفاده قرار گرفته است. نکته مهم در خصوص اوزان غزلیات سالک خوبی تنشهای وزنی وجود دارد؛ بعنوان مثال در نمونه‌هایی میتوان به این موارد اشاره کرد:

از کریم او بس است سالک که از بهر گناه درگه خود را نشان میداد با آه و بکا
(دیوان: غ ۲۱)

وزن غزل «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است. در ابتدای مصرع اول «کریمی» به رعایت وزن باید می‌آمده است. نوعی از اختیارات شاعرانه بصورت سلیقه‌ای و ذوقی در غزلیات سالک دیده میشود که توجیه وزنی و عروضی برای آن وجود ندارد و تنها میتوان گفت شاعر بنا به ذوق شخصی و بصورت کاملاً سلیقه‌ای به آن پرداخته است؛ در این زمینه شاید بتوان یکی از فرضیه‌های موجود جهت پریشانی اوزان شعری و کوتاه و بلند ساختن مصوتها را تأثیر گویش و زبان مادری شاعر بر ایراد واکها و مصوتها دانست. بعنوان نمونه در کلمه «بساز» باید مصوت بلند «الف» را بصورت مصوت کوتاه - تلفظ نماییم تا از پریشانی وزن جلوگیری کنیم، یک هجا نیز در ادامه مصراع دوم کم دارد مثلاً طوفان باید طوفانی باشد تا وزن منطبق شود:

گاه گفתי بکن ای نوح به قومت دعوت گاه فرمود بساز کشتی طوفان را
(دیوان: غ ۱۵)

نوعی از «واو» در غزلیات سالک مشاهده میشود که به حافظ دستوری هیچگونه جایگاهی در بیت ندارد و صرفاً جهت پرساختن خلأ وزنی مورد استفاده قرار گرفته است:

در دهر هزار و نهصد و سال عمر کرد نوح گویا چنان شمرد که شام و سحر گذشت
(دیوان: غ ۳۳)

خوشحال کس که از ره یغماگران دهر بر منزل و ملامت از آن بیخطر گذشت
(همان)

تغییر دادن واژه‌هایی مانند کوشش به «کوشش» و حوادث به «حوادث» و افزودن مصوت بلند «ی» به دلیل ایجاد توازن در بیت نیز از دیگر نمونه‌های ذوقی و سلیقه‌ای است که شاعر در وزن برخی از اشعار خویش مورد استفاده قرار داده است.

در پیش سیل تند حوادث روزگار شداد وار عمارت عالی بنا عبث
(دیوان: غ ۵۸)

و نیز:

سالک برای دولت این دهر عاریه کوشش و سعی و دقت بی‌انتها عبث
(همان)

و یا به کار بردن «فنا» بصورت «افنا» به جهت وزن عروضی در این مثالها:

همه ز ساغر افنا خمار خواهد شد همه به مرکب تابوت سوار خواهد شد
(همان: غ ۶۴)

بر مالدار عالم افنا چه حاصل است الاّ به بار و رزّ خلائیق حاصل است
(همان: غ ۳۵)

به نظر میرسد زبان ترکی که زبان مادری شاعر است در انتخاب و گزینش کلمات فارسی از سوی وی در کوتاه و بلند ساختن صامت و مصوتها در بسیاری از موارد کاملاً تأثیرگذار بوده است. بعنوان نمونه در بیت زیر مصوت بلند «آ» در کلمات «عقبات» و «مشکلات» براساس معیارهای وزنی زبان ترکی انتخاب شده است و مقدار وزن مصوت بلند «آ» لحاظ نشده است:

برای راه بقا توشه از عمل بردار که سالکا عقبات مشکلات افزون است
(دیوان: غ ۳۷)

موسیقی کناری

سالک از جمله شعری است که بیشتر بر «معنا» تأکید داشته است و از لحاظ زبانی از قافیه‌ها و ردیفهای ساده بهره برده و سعی نکرده است با انتخاب قوافی و ردیفهای پیچیده، توجه مخاطب را بهظاهر کلام جلب کند. سالک بخوبی از تأثیر ردیف بعنوان عاملی در ایجاد موسیقی کناری جهت افزایش غنای موسیقی شعر خود آگاه است. در دیوان غزلیات سالک انواع ردیفهای فعلی، اسمی و حرفی به کار رفته است. ردیفهای «فعلی» به شعر او پویایی و حرکت بخشیده و در عوض ردیفهای اسمی سبب ایستایی شعر شده است (ر.ک. شفیع کدکنی، ۱۳۷۲: ص ۴۱۲). از مجموع ۱۷۱ شعر مردف، ردیفهای فعلی با ۸۳/۶ درصد، ردیفهای اسمی، قیدی و حرفی ۱۶/۴ درصد سروده شده است. این مسئله نشان میدهد که شاعر به پویایی شعر دقت و توجه بیشتری داشته است:

از این زندگانی چون مردن خوش است به جان آفرین، جان سپردن خوش است
ز غمخانه دهر پر پیچ و تاب به زندان نیستی دویدن خوش است
گرفتن ز ابنای این روزگار به کنج زوایا خزیدن خوش است
ای آن جرعه نوش به صد خون دل از آن جام افنا چشیدن خوش است
(دیوان: غ ۲۷)

بسامد استفاده از قافیه و ردیف در غزلیات سالک خوبی را میتوان به شکل زیر نشان داد:

مردّف		مقفّی		تعداد	قالب
مردّف	تعداد	درصد	تعداد	۲۱۴	غزل
۷۹/۹٪	۷۱	۲۰/۰۹٪	۴۳		

یکی دیگر از ویژگیهای شعر سالک در سطح زبانی کاربرد واژگان و عباراتی به سبک عراقی است. وی در آفرینش هنری خود تا حدّ زیادی به زبان سبک عراقی نیز توجه دارد و از آن بعنوان مصالح آفرینش زبان ادبی بهره گرفته است. بعنوان نمونه تکرار عبارت «که می‌پرس» از حافظ:

روان شده به رخم آب دیده‌ام که می‌پرس
چرا که محنت بیحدّ کشیده‌ام که می‌پرس
(دیوان: غ ۱۲۳)

در تقلید از سعدی:

در آن مدت که ما را وقت خوش بود
ز ظلم ظالمان اوضاع مردم
کشیده خنجر بیداد ظالم
مکن دقت در این افراد قلبم
ز هجرت الف تا نان چهل و شش بود
سیه همچون غلامان حبش بود
ز بهر خون مظلوم العطش بود
ز غم روزگار آشفته‌وش بود
(دیوان: غ ۸۰)

دیباچه گلستان با این دو بیت به پایان میرسد که:

در این مدت که ما را وقت خوش بود
ز هجرت ششصد و پنجاه و شش بود
(گلستان: مقدمه)

یا ترکیباتی مانند «اشک کباب» (غ ۱۷۱) به تأسی از صائب: «به نار و آتش و عصیان همچو اشک کباب» لغات، عبارات و ترکیبات عربی در غزلیات سالک بصورت قابل توجهی مورد استفاده قرار گرفته است. نمونه‌هایی از این عبارات و ترکیبات: «این بأفوک: غ ۲۰»، «بالطعام و الشراب کدّواب: غ ۲۱»، «شرح آنما: غ ۲۶»، «استشهار: غ ۳۲»، «کل نفس ذائقه الموت: غ ۴۴»، «فی‌المثل: غ ۸۶ و غ ۱۴۴»، و نیز لغاتی مانند «ید: غ ۱۶۶»، «فؤاد: غ ۱۶۷»، «عقد لسان: غ ۱۶۷»، «دواب: غ ۱۷۰»، و مستحسن: غ ۱۲۷»، «حصن و حصین: غ ۱۲۷» از این نمونه‌هاست. از دیگر ویژگیهای شعر سالک در سطح زبانی کاربرد عبارات و واژگان عامیانه است. این ویژگی بیش از هر چیز سبک شعر سالک را به صائب تبریزی متمایل میکند. واژگان و ترکیبات عامیانه‌ای که در زندگی روزمره استعمال و کاربرد دارند مانند «قند آب» و «آب دوغ» در این بیت:

اگر در پیش طبخت قند آبی
نباشد آب دوغ نوش ای برادر
(دیوان: غ ۱۱۴)

ترکیب «رنگ و روغن» «خون جگر» در این بیت:

مظلوم با درد و به غم دایم خورد خون جگر
تا بیابد رنگ و روغن خوان الوان شما
(دیوان: غ ۱۰)

«پیش سیل خانه ساختن»:

دائماً با آب و گل چون بچه میبازی چرا
(دیوان: غ ۱۲)

پیش سیل تند عاجل خانه میسازی چرا

«عقوبت بر سر کسی آوردن»:

لغزشش در عالم برزخ بود پیش از حساب
(دیوان: غ ۲۲)

صد عقوبت بر سر اولاد آدم آورند

«پاسوز [پاسوخت] چیزی شدن»:

که هر وصال درازش سنان خونریز است
(دیوان: غ ۳۰)

مشو به وصل وصال شاهد جهان پاسوخت

از بررسی دقیق و بیت به بیت اشعار سالک مشخص گردید شاعر از لغات عربی و نیز ترکیبات عامیانه و محاوره‌ای بصورت چشمگیری مورد استفاده قرار داده است، گاه سعی شاعر در استفاده از واژه‌های نامأنوس و عربی‌مآبی است؛ ما در این مقاله قصد مشخص ساختن میزان بسامد واژگان فارسی و بیگانه را نداریم، چراکه این موضوع خود پژوهشی جداگانه است.

سطح لغوی: ملاحظه و بررسی میزان لغات فارسی، عربی و نیز بیگانه مانند ترکی، نوع‌گزینش واژه با توجه به محور جانشینی از جمله مؤلفه‌هایی است که در تعیین نوع سبک شاعری و شاعر، تأثیرگذار است. یکی از ویژگیهای اصلی سبک سالک خویی، کاربرد ترکیبات و لغات جدیدی است که به نظر میرسد تا حدودی برساخته شاعر باشد. خاتمی میگوید: «اگرچه شعرای این دوره [سبک بازگشت] کمتر توفیق مضمون‌سازی و نوآوری را به دست آورده‌اند؛ اما در جای خود خدمت بزرگی به حفظ زبان و ادبیات کهن ایران و زنده نگاه داشتن خاطره سرایندگان قدیم انجام داده‌اند و توانسته‌اند زبان فارسی را از سستی و کاستی برهانند» (۱۳۷۴: ص ۲۰۲).

به زهر محنت و غم میسرشته است
سرور خنده لبشار دنیا
(دیوان: غ ۲)

مشو به وصل وصال شاهد جهان پاسوخت

به نظر میرسد «لبشار» ترکیب ابداعی در قیاس ساختاری با واژه‌هایی چون سرشار، آبشار و از این دست میباشد. یا ترکیب «پاسوخت» به قیاس «پاسوز» در این بیت:

که هر وصال درازش سنان خونریز است
(همان: غ ۳۰)

مشو به وصل وصال شاهد جهان پاسوخت

ترکیب «هلال بی‌زحمت»:

گر آن هلال لاغر و بی‌زحمت سفر
تا تن نمیدهد مه تابان نمیشود
(دیوان: غ ۶۵)

گر آن هلال لاغر و بی‌زحمت سفر

نمونه‌هایی دیگر از این ترکیبات: «جفنگ‌وار» (غزل ۱۴۰)، «عبدالوش» (غزل ۱۴۰).

سطح فکری

تغییر و تحولات اجتماعی، موتور متحرک و عامل تغییر و تحول سبک میباشد (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۲: ص ۱۹۲). از میان علل و عوامل گوناگون اجتماعی، برخی با شدت تأثیر بیشتر و برخی بصورت کم‌اهمیتتری در سخن شاعر بروز و ظهور مییابند. برخی از ادبا و شعرا به مسائل اعتقادی و مذهبی توجه بیشتری دارند و برخی به مسائل

سیاسی و رخدادها و حوادث اجتماعی. در غزلیات سالک «مذهب» و توجه به «دین» پربسامدترین مفهوم مطرح شده است. توجه به شریعت، مدح و منقبت حضرت علی (ع) و پیامبر اکرم (ص)، زهد، پرهیز، ترس از آخرت، بنمایه‌های اعتقادی و دینی بسیار پررنگی را در اشعار سالک تشکیل می‌دهد. در کنار این اندیشه می‌توان ردپای «عرفان» و سلوک عابدانه را نیز در مواردی مشاهده نمود.

طبقه‌بندی انواع دینمداری در دیوان غزلیات سالک خوبی براساس درونمایه

همانگونه که اشاره شد، دیوان سالک خوبی مجموعه غزلیات وی است و قالب غزل پیش از هر چیز قالبی مناسب جهت بیان عشق و عواطف درونی شاعر است؛ اما سالک خوبی از این قالب جهت اغراض دیگری از جمله مقاصد تعلیمی چون بیان زهد، پرهیز، دنیاگریزی، مراقبه، تقوی، حمد و شکر پروردگار و مواردی از این دست بهره گرفته است. عشق زمینی در غزلیات او جایی ندارد و رابطه عاشق و معشوق اگر هم مطرح شده باشد، در قالب عشق آسمانی و حقیقت و ماهیت آن است. ساختار فکری سالک خوبی در غزلیات وی را می‌توان ذیل چند مورد زیر دسته‌بندی نمود:

حمد و ثنای پروردگار

الف حمد و الف شکر و الف تسبیح و ثنا	باد بر خلاق بدر و نیر ارض و سماء (دیوان: غ ۱)
حمد بی حد ز عدد خالق یزدانی را	که کند روز منور نسب ظلمانی را (دیوان: غ ۱۵)
حمد آن خدای را که ز نی شکر آورد	وز چوب خشک غنچه احمر برآورد (دیوان: غ ۸۲)

در زهد و قناعت

ابلهان دولت دنیای فنا میطلبند	عارفان لذت جاوید بقا میطلبند (دیوان: غ ۸۹)
دلا یکدم بشو از خواب بیدار	به دنیا دل میند هرگز زنهار (دیوان: غ ۱۰۶)
بر ملک و مال دهر مشو شاد ای عزیز	فردا رود چو گل همه بر باد ای عزیز (دیوان: غ ۱۱۷)

نکوهش دنیا

به دنیا دل نبندد عاقل هرگز	که دریا بود دنیا فتنه‌انگیز وجود ما سفینه، قبر گرداب
بر هرزه‌گوی لهو و لعب را مکن هوس	این پوچ‌گوی سود ندارد به هیچکس در و عقیق و گوهر ذکر خدای را
	برکش بسان عقد تو بر رشته نفس (دیوان: غ ۱۲۰)
	برکش بسان عقد تو بر رشته نفس (دیوان: غ ۱۲۳)

جهان یا پنج روزی بود یا شش
مکن ضایع نیاید عمر بازش
(دیوان: غ ۱۲۰)

مشو بهر جهان ای دل مشوش
برای پنج و شش روز عمر خود را

مدح ائمه (ع) و پیامبر (ص)

صدر نشین بزم نبوت محمد است
مشاطه عروس شریعت محمد است
(دیوان: غ ۲۳)

مفتاح باب علم امانت ابوالحسن
سیراب جویبار صداقت ابوالحسن

محمد قرشی عرب پیامبر ماست
رفیع مرتبه، عالی نسب پیامبر ماست
(دیوان: غ ۲۵)

شکر آن معدن علم و ادب پیامبر ماست
شه سریر نبوت مه منیر سما

شاهنشاه سریر ولایت امام ماست
مفتاح باب کنز سخاوت امام ماست
(دیوان: غزل ۲۶)

شمس منیر برج امامت امام ماست
غیر از علی نکرده کس ایثار در رکوع

چرا که برزخ دین محمد است زجاج
(دیوان: غ ۶۰)

به درد ثار سقر حُب مرتضی است علاج

عرفان عابدانه

مفاهیم عرفانی که سالک در غزلیات خود مورد توجه قرار میدهد، عرفان عاشقانه نیست، بلکه نوعی نگاه زاهدانه است:

ابلهان عیش و طرب نشو و نما میطلبند
(دیوان: غ ۸۹)

عارفان گوشه‌گزینند به خود چون زاهد

از این رو است که عارفان نیز در مشرب عرفانی سالک، اهل مسجد و منبر هستند:

ابلهان بادیۀ جرم و خطا میطلبند
ابلهان نغمۀ شهنواز و غنا میطلبند
(دیوان: غ ۸۹)

عارفان جمله ره مسجد و منبر پویند
عارفان تسبیح و تهلیل خدا میگویند

اندرز

سالک در جای جای دیوان خود به نصیحت کردن و دوری و دل‌ن بستن به دنیای فانی میپردازد. غزل زیر را میتوان چکیده‌ای از سخنان عبرت‌آموز سالک دانست:

به دست نفس تو همواره دستگیر مباش
به دستبرد دیار گنه، دلیر مباش
به سر وزن زر و سیم چون وزیر مباش
که آدمی تو دمی غافل از سعیر مباش

دلا به سلسله دهر دون اسیر مباش
عنان نفس بگردان به سوی راه خدا
به بندگان خدا بنده‌ای تو حلقه به گوش
در این سرای غم‌افزا چگونه شاد شوی

بگیر گوشه‌ای سالک بکن تو ذکر خدا و گر به نیک و بد خلق خرده‌گیر مباش
(دیوان: غ ۱۲۹)

سطح ادبی

این سطح، توجه به مسائل علم بیان از قبیل تشبیه، کنایه، استعاره و بدیع معنوی مانند ایهام، تناسب و بطور کلی زبان ادبی و انحرافهای هنری است که مربوط به جنبه زیبایی‌شناسی کلام و بلاغت آن میشود. بررسی و تحلیل صنایع ادبی در دیوان غزلیات سالک ثابت مینماید که او از شعرای سبک عراقی و خراسانی تقلید داشته است. کاربرد انواع صنایع لفظی و معنوی و نیز آرایه‌های علم بیان به منظور به خدمت گرفتن آنها در راستای القای اندیشه‌های تعلیمی، پند، اندرز و موعظه جهت تأثیرگذار ساختن کلام و به اقتضای سخن، شعر سالک را خیال‌انگیز نموده است. سالک خویی در بهره‌گیری از صور خیال و آرایه‌های لفظی و معنوی، جانب اعتدال را نگه داشته است. کلام وی از تشبیهات دور از ذهن و استعاره‌های غریب به دور است؛ شاهد مثالها بهترین دلیل جهت اثبات این ادعا میباشد. در ادامه به ارائه مثالهایی از آرایه‌های مختلف لفظی، معنوی و صور خیال در غزلیات سالک خواهیم پرداخت. شاهدمثالهای زیر از بین آرایه‌های فراوان، انتخاب شده است:

تشبیه

هر زمان لشکر غم آمد و هر سوی دلم نشد هرگز ز فلک نصرت و امداد مرا
(دیوان: غ ۹)

به دام فتنه نیفتد مدام مرغ دلم که آشیانه نموده است در هوای شما
(دیوان: غ ۱۱)

چو بازار است دنیا، محتسب مرگ مکن تو شورش و غوغا در اینجا
(دیوان: غ ۱۶)

همچو سیل کوهساران، سیل تند حادثه کرد بنیاد مرا از پای افتادن قریب
(دیوان: غ ۱۹)

تشبیهات سالک بیشتر در راستای توصیف بی‌اعتباری دنیا، تشویق به عدم دلبستگی به دنیا، توجه به عقوبت کار و توجه به جزاء و پاداش اخروی و زهد و پرهیز است از این رو تشبیهات وی بیشتر به قصد القا معنای است و در قالب تشبیه محسوس، ساده و مفرد از این آرایه بهره میگیرد.

ای که در کوشش عاجل همه تن چون سیماب چون کواکب همه تن دیده بازی بیخواب
(دیوان: غ ۲۰)

راحت و آرام نگیری لحظه‌ای سیماب‌وار از تردد آبله آورده‌ای پای شتاب
(دیوان: غ ۲۱)

بطور کلی تشبیه بلیغ و تشبیه مجمل در غزلیات سالک بیشتر مورد توجه قرار گرفته است:

بر وفای عمر خود هرگز مشو شاد ای شباب روز و شب مانند موش است عمر مانند طناب
(دیوان: غ ۲۲)

ز غمخانه دهر پر پیچ و تاب به زندان نیستی دویدن دوش است
(دیوان: غ ۲۷)

به سوی آن فرود هر کسی که هشیار است

(دیوان: غ ۳۱)

چه هف هف و چه خصومت و چه جنگ و جدل است

(دیوان: غ ۵۰)

جهان عاریه چون پی گسسته دیوار است

برای جیفه دنیا به یکدیگر چو سگان

استعاره مکنیه

گردد این عالم به دیده تیره و تار عاقبت

(دیوان: غ ۵۵)

نچیده است کسی گل ز شاخسار فرح

(دیوان: غ ۶۱)

روح چو سر جدا شود از تن در این فضا

(دیوان: غ ۶)

جان و اندام همه‌اش آمد به لرزیدن قرب

(دیوان: غ ۱۸)

شمع هستی در شبستان جهان باشد خموش

مرد به باغ فرح از برای چیدن گل

صبح اجل که تیغ کشد از غلاف افق

از غلاف شب کشیده صبح مرگم تیغ تیز

کنایه

کاربرد کنایه نیز در کنار دیگر صورخیال از جمله تشبیه و استعاره در شعر سالک در خدمت القای مفاهیم و اندیشه‌های دینی، وعظ و پند و اندرز است. کنایه‌های به‌کاررفته در سخن وی بیشتر در حوزه آگاهی و تنبّه مخاطب برای دل‌ن بستن به دنیای فانی است.

کار دنیا را به جان و دل بپرداز چو

(دیوان: غ ۱۲)

منبع فتنه و افساد و خطا است دنیا

(دیوان: غزل ۲) (دیوان: غ ۲۷)

میگذارد بر کنار آخر تو را ای بی‌خرد

داده بر باد بسی خرم‌ن طاعت سالک

در توحید به نماز و عبادت:

بدارد هر که به بالای شهپر است صلوات

(دیوان: غ ۵۱)

به طایران کف دستها برای دعا

عدم دلبستگی به دنیا:

فرداست سیل حادثه که زیر و رو کند

(دیوان: غ ۶۹)

قصری که در بلندی به کیوان میرسد

بدیع لفظی و معنوی

تکرار

تکرار یک واج، واژه و گاه یک مصراع اغلب بجز تأکید معنا، سبب زیبایی کلام و افزایش موسیقی آن نیز میشود. «تکرار عامل موسیقایی شعر است. گاه یک یا چند واژه از کلمات توسط شاعر تکرار میشود؛ این نوع از بازی زبانی با کلمات سبب آرایش کلام میگردد» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۵: ص ۵۱). مانند تکرار واج «م» در این مصرع:

شمس منیر برج امامت امام ماست

(دیوان: غ ۲۶)

یا تکرار واژه هفت در این مصرع:

هشت جنت، هفت دوزخ، هفت ارض و هفت سما

(دیوان: غ ۱)

تکرار واج «ر»:

شود فردای اندر روز محشر چو آتش درهم و دینار دنیا

(دیوان: غزل ۲)

تکرار واج «الف»:

مکن تو خانه‌ای پیدا در اینجا تو یا امروز یا فردا در اینجا

(دیوان: غ ۱۶)

تکرار واج «ق» و «غ»:

غنچه گشوده دهن مثل عقیق یمن سبز قبا شد چمن قدرت پروردگار

(دیوان: غ ۱۱۱)

بسیاری از ادبا و بزرگان و نظریه‌پردازان شعر فارسی، مقوله تکرار را یکی از مؤثرترین و قویترین عوامل در القای اندیشه و فکر شاعر میدانند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ص ۹۲). فایده تکرار علاوه بر آهنگین ساختن و موسیقایی ساختن کلام، درحقیقت ایجاد ارتباط کلمات کلیدی در زیرساخت فکری شاعر است؛ بعنوان نمونه شاعر با تکرار «بسیار» در جایگاه ردیف به ترغیب بی‌توجهی به دنیا پرداخته است:

برفتند از جهان بسیار بسیار به عقبا کاروان بسیار بسیار

ره عقبا بسی دور است توشه بگیری از جهان بسیار بسیار

مشو غافل دمی از دم دنیا بکن سالک بیان بسیار بسیار

(دیوان: غ ۱۱۵)

و یا تکرار واژه «خوش» در این مثال:

با کسان هرگز مشو با تشویش و جنگ و جدل خوش صفت، خوش خلق، خوش گفتار خوش اطوار باش

(دیوان: غ ۱۲۷)

جناس

در حیطه موسیقی درونی کلمات، «جناس» نیز یکی از صنایع بدیعی است که هم سبب افزایش موسیقی کلام و آهنگین نمودن آن میشود و هم در القای معنای موردنظر شاعر کارساز است.

جناس افزایشی:

خوش است قصر و عمارت سر از کاخ و کلاخ

(دیوان: غ ۱۱۸)

به بندگان خدا بنده‌ای تو حلقه به گوش به سروران زر و سیم چون وزیر مباش

(دیوان: غ ۱۲۹)

جناس اختلافی:

ز مونسان جهان قطع کن دمی الفت که مونس تو بسی مور و مار ای غافل
(دیوان: غ ۱۵۷)

جناس اشتقاق

ندیده کس بروید از زمینش بجز دام بلا محصول حاصل
(دیوان: غ ۱۵۹)

تلمیح: نمونه‌هایی از تلمیح به آیات قرآن، داستان پیامبران، داستانهای عاشقانه و...

برای راحت آن گوهران درج یقین شد آفریده به صد زیب، جنت‌المأوی
(دیوان: غ ۱۴)

برای دشمن آن برگزیدن اله عذاب و دوزخ و ثار سعیر شد پیدا
(همان)

گاه از بهر شعیب، مدتی مزدوری داد گاه برخواند کلیم موسی عمرانی را
(دیوان: غ ۱۵)

دوستی ما به جهان چو کودک و مادر بود هوش گنج چو قارون بسی در سر بود
(دیوان: غ ۷۲)

بی سبب نیست که رفت حضرت عیسی به فلک سبب این بود که در دهر فنا بی‌زر بود
(همان)

همه در کوشش دنیا بسان قیس در صحرا بگوید سالکا لیلا رود آهسته آهسته
(دیوان: غ ۳۸)

علی بر چاه ذنب افتادگان را چه غم داری مه چون حبل‌المتین بود
(دیوان: غ ۷۴)

لوح جبین هر بشری را به خط سبز زین کلّ نفس ذائقه الموت نوشته است
(دیوان: غ ۴۴)

گاه بر چاه کند، گاه به زندان محبوس گاه بر تخت کند یوسف کنعانی را
گاه حکم اشیاء به تفویض داد گاه در هم شکند نشان سلیمانی را
(دیوان: غ ۱۵)

اغراق

سالک در اغراق تصاویر شعری خود، بیشتر سعی در توصیف پرهیز از دنیا، عذاب اخروی گناهکاران و مذمت و نکوهش دنیاپرستان استفاده میکند:

زاهدان هرگز فریب زر نمی‌خورند از آن درهم و دینار دنیا میشود نار عاقبت
(دیوان: غ ۵۵)

چون زرد شمس در سر دیوار مانده است
گل‌های باغ بندگی بر باد رفته است
از حبّ دهر ساغری سرشار مانده است
(دیوان: غ ۵۶)

بترسم از عذاب نار دوزخ
چه قدری زنده‌ام افکار دوزخ
مکن واعظ دگر اوصاف دوزخ
شود یا رب چگونه مار دوزخ
(دیوان: غ ۶۳)

اندر شریعت اندک آثار مانده است
وز بوستان دهر خس و خار مانده است
صهبای مهر عاقبت از پُر تهی شده است

به گوشم میرسد اخبار دوزخ
نباشد یک دقیقه از دلم دور
شد از خوف سقر این زهره‌ام آب
به این ماران ندارد دیدنم تاب

تضاد

تضاد نیز یکی دیگر از صنایع بدیعی مورد توجه سالک است. واژه‌هایی مانند «سکنت» و «آرام»، «بهشت و دوزخ»، «روز و شب»، و... از این نمونه‌هاست:

برای رفعت ایشان خلق گشته شما
(دیوان: غ ۱۴)

که کند روز منور شب ظلمانی را
(دیوان: غ ۱۵)

آنچه رسم بندگی است شرمسارم ای خدا
(دیوان: غ ۱۸)

ابلهان بادیه جرم و خطا میطلبند
ابلهان نغمه شهناز و غنا میطلبند
(دیوان: غ ۸۹)

زمین به سکنت و آرام پنج آل عبا

حمد بی حد ز عدد خالق یزدانی را

روز و شب فسق و فجور است جمله کارم ای خدا

و یا تقابلی معنایی عارف با ابله:

عارفان جمله ره مسجد و منبر پویند

عارفان تسبیح و تهلیل خدا میگویند

مراعات النظیر

صنعت مراعات النظیر در ادبیات بسیار زیادی مورد استفاده شاعر قرار گرفته است که در ادامه به برخی از این نمونه‌ها خواهیم پرداخت:

مدتی اندر پی آواز طنبور و رباب
(دیوان: غ ۲۱)

ما را چه غم که ساقی کوثر امام ماست
(دیوان: غ ۲۵)

همش دزدی است در بازار مانده است
(دیوان: غ ۴۳)

مست باشی مدتی از باده شاب و شباب

روزی که خلق تشنه شود آفتاب گرم

چو علاف و چو بقال و چو قصاب

دایم غذای کرکس مردار خوردن است / آید بجای طوطی شکر شکن شود (دیوان: غ ۷۰)

پانویس

۱. نگارندگان این سطور گویشور زبان ترکی میباشند و بر طبق اطلاعاتی که از عروض شعر ترکی دارد، آنکه در زبان ترکی بلندی و کوتاهی هجاها لحاظ نمیشود، بلکه تعداد آنها در مصاربع مدنظر قرار میگیرد. **پاورقی شود**

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تنها نسخه موجود از دیوان غزلیات ملاحسین خوبی معروف و متخلص به سالک خوبی از شاعران دوره قاجار و سبک بازگشت مورد بررسی قرار گرفت. نسخه موجود در ایران کتابخانه مرکزی تبریز شماره «۱۵۴ ک» موجود میباشد که با روش قیاسی توسط نگارندگان تصحیح شده است. شاخصه‌های سبکی این اثر در سطح زبانی، فکری و ادبی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

سطح زبانی: طبع‌آزمایی در اغلب اوزان و بحور و کثرت استفاده از بحر رمل، مجتث و مضارع و هزج، اعمال نوعی از اختیارات شاعرانه بنا به ذوق شخصی شاعر و غالباً تحت تأثیر زبان ترکی که زبان اصلی و مادری سراینده است مانند کاربرد «کوشش» بصورت «کویشتش»، «حوادث» بصورت «حوادیت» و نمونه‌هایی از این قبیل. ویژگیهای واژگانی مانند کاربرد عبارات و ترکیبات عامیانه، ترکیب‌سازی.

سطح ادبی: در سطح ادبی کاربرد آرایه‌های ساده، به دور از تعقید و پیچیدگی به لحاظ ادبی با تشبیه به سبک شعری شاعران سبک خراسانی مانند بهره‌گیری از تشبیهات ساده، مفرد و زودیاب، استعاره‌های قریب، تلمیح، تضاد، مراعات‌النظیر، تلمیح و سایر فنون بدیع لفظی و معنوی، ویژگیهای دوره بازگشت ادبی را بصورت بسیار زیادی به لحاظ روانی و سادگی منعکس میکند. نقص وزن عروضی در این نسخه مشهود است.

سطح فکری: سادگی شعر، توجه به مفاهیم دینی، پند و اندرز، موعظه، دینمداری و پرهیز دادن مخاطب از دل‌بستگی به دنیاست. اشعار سالک به ساده‌ترین صورت ممکن سروده شده‌اند و دیوان او مشتمل است بر مطالب اخلاقی و دستورالعمل‌های سودمند برای زندگی دنیایی و اخروی فرد.

مشارکت نویسندگان:

این مقاله از رساله دکتری مریم غرائمی استخراج شده است. دکتر مجتبی صفرعلیزاده و دکتر شهریار حسن‌زاده بترتیب راهنمایی و مشاوره این رساله را بر عهده داشته‌اند. دانشجو بعنوان پژوهشگر این جستار گردآوری داده‌ها و تنظیم اولیه متن را انجام داده است و در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی:

با سپاس از عنایت خداوند متعال و آرزوی توفیق فرهیختگان عرصه علم و دانش در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی و کارکنان و مسئولین محترم نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب).

تعارض منافع:

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده است و حاصل فعالیت‌های پژوهشی نویسندگان یاد شده است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت کامل دارند. در این پژوهش کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچگونه تخلف و تقلبی در نگارش آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکرشده را بر عهده دارند.

REFERENCES

- Jahanbakhsh Joya (1389). Text correction guide. Tehran: Written Heritage, p. 7.
- Khatami. Ahmed (1374). A research in poetry and prose during the period of literary return. Tehran: Paya, p. 202.
- Dairy farmer. Masoumeh and others (1402). Analysis of the style and content of the manuscript of Nawader al-Waqa'i by Ahmad Danesh. Scientific Journal of Persian Poetry and Prose Styloogy (Bahar Adeb). Period 16. Consecutive number 84. pp. 119-139.
- Give. Mahmoud (1371). Tadzkira of Azerbaijani poets: history of life and works. Tehran: Author, pp. 95-96.
- Saadi. Musharrafuddin Moslehuddin (1401). Golestan Edited by: Gholamhossein Yousefi. 16th edition. Tehran: Kharazmi, p. 305.
- Shafi'i Kodkani. Mohammad Reza (1372). Literary types and Persian poetry. The growth of Persian literature education. (23) 8.
- (1386). Poetry music. Third edition. Tehran: Aghaz. P. 92.
- Molhasin Khoi. Ghazalyat version. Correction in Maryam Ghraimi's doctoral thesis. Islamic Azad university. mood unit
- Vahidian Kamiyar. Taghi (1385). Original from the aesthetic point of view. Tehran: Samit, p. 51

فهرست منابع فارسی

- جهانبخش. جويا (۱۳۸۹). راهنمای تصحیح متون. تهران: میراث مکتوب، ص ۷.
- خاتمی. احمد (۱۳۷۴). پژوهشی در نظم و نثر دوره بازگشت ادبی. تهران: پایا، ص ۲۰۲.
- دهقان شیرینی. معصومه و دیگران (۱۴۰۲). بررسی سبکی و محتوایی نسخه خطی نوادر الوقایع اثر احمد دانش. نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). دوره ۱۶. شماره پیاپی ۸۴. صص ۱۱۹ - ۱۳۹.
- دیهمیم. محمود (۱۳۷۱). تذکره شعرای آذربایجان: تاریخ زندگی و آثار. تهران: مؤلف، صص ۹۵ - ۹۶.
- سعدی. مشرف‌الدین مصلح‌الدین (۱۴۰۱). گلستان. بتصحیح: غلامحسین یوسفی. چاپ شانزدهم. تهران: خوارزمی، صص ۳۰۵.

- شفیعی کدکنی. محمدرضا (۱۳۷۲). **انواع ادبی و شعر فارسی**. رشد آموزش ادب فارسی. (۲۳) ۸.
- (۱۳۸۶). **موسیقی شعر**. چاپ سوم. تهران: آگاه. ص ۹۲.
- ملاحسین خویی. **نسخه غزلیات**. تصحیح در رساله دکتری مریم غرائمی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد خوی.
- وحیدیان کامیار. تقی (۱۳۸۵). **بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی**. تهران: سمت، ص ۵۱.

معرفی نویسندگان

مریم غرائمی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.
(Email: m.gharaemi2022@gmail.com)

مجتبی صفرعلیزاده: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.
(Email: mojtaba.safaralizadeh@iaukhoy.ac.ir.com : نویسنده مسئول)

شهریار حسن‌زاده: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.
(Email: sha_hasanzadeh@yahoo.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Maryam Gharaemi: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Khoi Branch, Islamic Azad University, Khoi, Iran.
(Email: m.gharaemi2022@gmail.com)

Mojtabi Safar Alizadeh: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Khoi Branch, Islamic Azad University, Khoi, Iran.
(Email: mojtaba.safaralizadeh@iaukhoy.ac.ir.com : Responsible author)

Shahryar Hassanzadeh: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Khoi Branch, Islamic Azad University, Khoi, Iran.
(Email: sha_hasanzadeh@yahoo.com)